

یکی از تعابیری که در مورد حرکت تاریخی دختر پیامبرخاتم (س) که به شهادت ایشان انجامید به‌کار می‌رود، تعبیر انقلاب فاطمی است. خیلی مهم است که ابعاد این انقلاب و نتایج آن بررسی و برای علاقه‌مندان آن حضرت روشن شود.

در این یادداشت می‌خواهیم در چند سطر به تبارین انقلاب حضرت حضرت زهرا(س) و مصائب جان‌گذاری که بر ساحت ام‌الائمّه(س) وارد شده است، بپردازیم. سؤال اساسی این است که نتیجه‌قیام فاطمی و حرکت حضرت زهرا(س) در آن زمان که این همه هزینه‌های سنگین و حوادث جانکاهی در برداشت، چه بود؟ در پاسخ به این سؤال مهم باید بیان کنیم که پس از رحلت پیامبر اکرم(ص)، انحراف رهبری از خط امامت تا آنجا ادامه پیدا کرد که در نظام حکومتی بنی‌امیه و بنی‌عباس به یک نظام سلطنتی فاسد نیز کشیده شد و قرن‌ها ادامه داشت؛ پس این‌گونه متوجه می‌شویم اینکه قیام حضرت زهرا(س) را انقلاب فاطمی می‌نامیم، مربوط به چه جریان و انقلاب علیه چه جریانی می‌شود.

باید زمان بگذرد و عواملی به وجود بیاید تا در نتیجه آن هدف و حاصل این رویداد به‌طور دقیق مشخص شود، درست است که انقلاب فاطمی هزینه‌هایی بسیاری ازجمله هتک حرمت پیامبراکرم(ص) باتهاجم به در خانه حضرت زهرا(س) داشت، اما باید دقت کرد که انقلاب فاطمی یک قیام سیاسی، فرهنگی یا اجتماعی نبود بلکه قیامی برای جریان سازی بود تا جریان امامت و ولایت را تثبیت کند، جهت انقلاب فاطمی توجه دادن مردم به جریان اصیل اسلامی و اسلام ناب محمدی بود که این جریان حول محور ولایت و شخص ولی تعریف می‌شود.

مسئله‌ای که در سقیفه بنی ساعده رخ داد، ادامه‌اش به جایی کشیده می‌شد تا قرآن و دین اسلام از بین برود، پس اگر جریان امامت و ولایت نتواند در جامعه تسلط داشته باشد منجر به انحراف در توحید برای امت خواهد شد.

اگر در گام آخر، این انحراف و گسست حکومت بخواهد به انحراف و گسست در توحید بینجامد و قرار باشد که هیچ‌کسی واکنش نشان ندهد عبودیت خداوند بر روی زمین از بین می‌رفت؛ به تعبیر امام باقر(ع) بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) و آن روزی که وجود صدیقه اطهر(س) قیام کردند، مردم به جز سه یا هفت نفر مرّتد شده بودند، اما به وسیله قیام جریان ساز آن بانو امروز در روی کره زمین نزدیک به ۵۰۰ میلیون انسان «أشهدُ أنَّ غلیا ولیَّ الله» می‌گویند.

پس این‌گونه باید نتیجه انقلاب فاطمی را تحلیل کرد که خط اصیل شیعه باقی‌ماندن خود را مدیون آن بانویی می‌داند که باتمام وجود حقانیت ولایت علی ابن ابیطالب(ع) را فریاد زد و جان خودش را در چله این کمان نهاد تا در همیشه تاریخ علی جویان و علی‌گویان مدیون عظمت وفداکاری او باشند و باید مصائب او متأثر شوند و گریه‌کنند. مسئله مهم دیگر الگوگیری از حضرت زهرا(س) در موضوع اهمیت و حد مقاومت است، حضرت زهرا(س) تا پای جان برای پیروزی انقلاب خود ایستادند، مقاومتی که حضرت فاطمه در پای این انقلاب نشان دادند یک مسئله آموزنده‌ای برای هر ملت و مردمی است که در جریان حاکمیت دین و جریان تثبیت اقتدار اسلام و قرآن بخواهند مقاومت کنند، مرز مقاومت تا کجاست؟ زهرای اطهر(س) مرز مقاومت را در حرکت و قیام خود نشان دادند و برای تمام کسانی که دل‌داده این مسیر و خواهان پیروی از این صراط هستند این مرز را ترسیم کردند که برای استقرار ولایت باید از همه چیز خود گذشت و دارایی خود را به صحنه آورد و تنها در این صورت می‌توان حق را نصرت داد و نصرت الهی را جلب کرد.

برگرفته از خطبه‌های نمازجمعه مشهد

تتظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

شب‌هات زن در نهج‌البلاغه و پاسخ به آن‌ها

شب‌هات، جمع شب‌هه و در لغت به معنای شک و تردید و در اصطلاح به معنای تردید بین امور حلال و حرام و حق و باطل است. شب‌هات ازجمله مباحثی است که در قرآن و روایات به آن پرداخته شده است و دارای مسائلی مثل اقسام شب‌هات، آثار پیروی از شب‌هات و راه‌های مبارزه با شب‌هه‌گرایی است.

درباره تفاوت پرسش و شب‌هه، تفاوت‌های چندی بیان شده است. پرسش درحقیقت جست وجوی بشر برای شناخت است و پرسش‌گر با بیان پرسش و سؤال، می‌کوشد موضوع و مطلبی را بشناسد و آن را درک و فهم کند. درحالی‌که هدف از شب‌هه، ایجاد تردید و شک در دل مخاطب است و شب‌هه‌گر تلاش می‌کند در بنیاد‌های اعتقادی و باوری شخص تردید افکند. درحقیقت تفاوت شب‌هه و پرسش را باید در کارکرد و اهداف آن دانست.

کارکرد پرسش، فهم و شناخت است، درحالی‌که شب‌هه برای این طرح می‌شود تا مخاطبان خود را به چالش بکشاند. ازسوی دیگر در شب‌هه، باطل به‌طور عمدی و خواسته حضور دارد و شب‌هه‌گر با آمیختن حق و باطل، می‌کوشد کلام باطل خود را با رنگ‌و‌عایی از حق به دیگران منتقل کند. از این‌روست که حضرت امیرمؤمنان (ع) فرمودند: «انما سمیت الشبهه شبهه لانها شبهت بالحق»؛ از آن‌رو شب‌هه را شب‌هه نامیده‌اند که به حق شب‌هه و همانند است. کتاب «شب‌هات زن در نهج‌البلاغه و پاسخ به آن‌ها» به همت پژوهشگران مدرسه علمیه حضرت خدیجه کبری (س) تألیف شده است. کتاب شب‌هات زن در نهج‌البلاغه پس از مقد‌م‌ای در حدود سی صفحه، درباره ویژگی‌های شخصیتی زن، زن در قرآن، زن در روایات، و سیره عملی امیرمؤمنان (ع) در برخورد با زنان بحث می‌کند.

این کتاب به سیزده مورد از شب‌هات در سخنان منسوب به امیرالمؤمنین (ع) پاسخ می‌دهد. کتاب شب‌هات زن در نهج‌البلاغه و پاسخ به آن‌ها، بعضی از این شب‌هه‌ها را در زیر بیان کرده است که عبارت است از:

نقص ایمان در زنان، نقص بهره مالی زنان، نقص عقل در زنان، تحذیر از زنان و نهی اطاعت از آنان، سفارش به دوری از زنان و کم‌اعتنایی به آنان، نهی از مشورت با زنان، سلب حق تصرف زنان در امور غیر خودشان، شر بودن زن، زنان و فساد در دنیا، عقرب بودن زن، بهترین ویژگی‌های زنان و بدترین ویژگی‌های مردان، کفر بودن غیرت زن، حبس زنان و بازداشتن آنان از معاشرت.

نهج‌البلاغه یکی از برترین کتب دینی و تاریخی درمیان شیعیان است که حاوی سخنان، نامه‌ها و حکایات و نصایح امیرالمؤمنین (ع) به دیگران است. همچنین بیشتر این سخنان، کاملاً با اعتقادات دینی و اخلاقی مطابقت دارد و می‌توان به راحتی درس‌های اخلاقی از نهج‌البلاغه گرفت.

یکی از موضوعاتی که در (نهج‌البلاغه) به آن اشاره شده است، نقش زن در جامعه است. امیرالمؤمنین (ع) در سخنان و نامه‌های خود به نقش مهم زنان در اجتماع اشاره کرده و آنان را ستون‌های مهمی در ساختار اجتماع معرفی کرده است.

اما در جامعه امروزی، ممکن است که شب‌هات مختلفی درباره نقش زنان هنگام خواندن نهج‌البلاغه ایجاد شود که برخی جوانان را به شک و تردید مبتلا می‌کند. برای رفع این شب‌هات، کتاب «شب‌هات زن در نهج‌البلاغه، نکات زیر را مطرح می‌کند: امیرالمؤمنین (ع) به زنان بسیار ارزش می‌دهد و آنان را در بسیاری از حوزه‌ها به عنوان شریک‌های ارزشمند اجتماعی معرفی می‌کند.

در بیشتر موارد، نقش زن در جامعه اسلامی به عنوان یک مادر و همسر مهربان و مدیر خانه و نگهدارنده خانواده است و این نقش با بسیاری از مسئولیت‌ها و وظایف مهم پرمی‌شود.

در جامعه اسلامی، زنان حقوق بسیاری دارند و می‌توانند در حوزه‌های مختلف اجتماعی مشارکت کنند.



روایت‌های دینی درباره دوست خوب و بد چه می‌گویند؟

رفیق خوب نعمته

ریحانه عامل‌نیک| دوستی نعمتی از نعمت‌های بزرگ الهی است. دوست خوب نه تنها مأمن و پناهگاه انسان و آرامش بخش دل و جان اوست، بلکه مایه خیر و سعات اخروی انسان نیز می‌تواند باشد. در آشفته‌بازار دنیا کسی که از نعمت دوست نیک محروم باشد، حس غربت و تنهایی می‌کند. امام علی(ع) با تمام بزرگی خود می‌فرمایند: «فقدان دوستان، یک نوع غربت و تنهایی است». یعنی حتی برای ایشان با آن درجه از عرفان، لزوم یار و رفیق همراه ضروری بوده است کما اینکه ایشان بهترین یار و رفیق پیامبر اکرم(ص) بوده‌اند. از بهترین خوشی‌های زندگی، معاشرت و گفت‌وگوهای دوستانه است که مفرح ذات است و ممد حیات. از حضرت موسی بن جعفر(ع) پرسیدند: بهترین وسیله آسایش در دنیا چیست؟ فرمودند: «منزل وسیع و دوستان زیاد». اگر انسان نتواند دوستی داشته باشد، نشانه ضعف اوست. حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «عاجزترین مردم کسی است که از به‌دست آوردن دوست، ناتوان باشد». در ادامه به مرور ویژگی‌های دوست خوب و رفیق ناباب براساس بیان ائمه اطهار(ع) می‌پردازیم.

دوستی با این صفات را دوستی بجسب

انسان موجودی اجتماعی است و یک زندگی اجتماعی ایده‌آل، با روابطی محقق می‌شود که در آن انسان‌ها با یکدیگر روابطی دوستانه و صمیمانه داشته باشند. محبت رشته‌ای است که دوسر دارد؛ هرگاه در وجودمان در برابر کسی احساس محبت و دوستی کردیم، احتمالاً او نیز به ما همین حس را دارد. البته این امر نیازمند شناخت خود و عواطف و وجدانمان است تا اشاره‌های غریزی را از انگیزه‌های درست عاطفی بشناسیم. در حدیث آمده‌است: «محبت قلبی برادرت را نسبت به خود، از محبت قلبی خود نسبت به او بشناس». اما در مورد ویژگی‌های دوست راستین، امام جعفر صادق(ع) فرمودند: «کسی که تمام شرایط را داشته باشد، رفیق کامل است و الا به همان اندازه درجه دوستی او کم می‌شود و اگر هیچ یک از آن‌ها را نداشته باشد، نام دوست نمی‌توان بر او گذاشت». و آن فرد این ویژگی‌ها را دارد.

این صفات را اگر دیدی، فرار کن

دوستان ما بر روی خلق و خو، تصمیم‌ها و نحوه و سبک زندگی ما اثرگذار هستند و این امری انکارناپذیر است. اگر انسان دوستی نیک‌صفت و خوش اخلاق داشته باشد، از خوبی‌های او پیروی خواهد کرد و اگر رفیق بد‌نصبیش شود، از بدی‌های او سرمشق خواهد گرفت. پیامبر اعظم(ص) می‌فرمایند: «انسان به راه و روش دوست و هم‌نشین، خو می‌گیرد». دوست می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد؛ چه از جنبه مثبت و چه از منظر منفی. ایشان همچنین فرمودند: «آدمی بر آیین دوست و هم‌نشینان و نزدیکان خود است» و «دوست بد پاره‌ای از آتش است». امام سجاد(ع) نیز در مورد ویژگی‌های دوست بد فرمودند: فرزندم! با پنج شخص هم‌نشینی و رفاقت مکن که آن پنج شخص عبارت هستند از:

ترک صله رحم

زیرا او در سه جای قرآن، لعن و نفرین شده است.

احمق(کم عقل)

زیرا او می‌خواهد به تو سود برساند، ولی به زیان تو می‌انجامد.

بخیل

زیرا او از کمک مالی به تو آن‌گاه که بسیار به آن نیازمندی، مضایقه می‌کند.

گناهکار و لاابالی

گناهکار و لاابالی؛ زیرا او تو را به بهای یک لقمه یا کمتر از آن می‌فروشد.

دروغگو

زیرا او همه چیز را برخلاف واقع نشان می‌دهد؛ دور را نزدیک و نزدیک را به تو دور می‌نماید.

منابع: / مجلسی، محمدتقی، بحارالانوار، بیروت، دارالوفاء، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۱۷۷. / نهج‌البلاغه، مترجم فیض الاسلام، تهران: انتشارات فقیه، ۱۳۷۹ش، حکمت ۱۱، ص ۱۰۹۳ / مجلسی، محمدتقی، بحارالانوار، بیروت، دارالوفاء، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۱۷۷ / اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۶ / مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۵ / وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۴۶ / مجلسی، محمدتقی، بحارالانوار، بیروت، دارالوفاء، ۱۴۰۰ق، ج ۴۶، ص ۲۹۱.

روشنا

پیامبر اسلام(ص): «وَإِ... يُحِبُّ إِغَاثَةَ اللَّهْفَانِ». (الکافی، ج ۴، ص ۲۷).

خداوند کمک به اندوهگین و یاری خواه را دوست دارد.

بخیل‌ترین انسان

کسی است که از نزد مسلمانی عبور کند و به او سلام نکند.

دزدترین انسان

کسی است که از نمازش بدزدد. چنین شخصی نمازش مثل پوشک کثیف به صورتش زده می‌شود.

تنبل‌ترین انسان

بنده سالم و بیکاری است که در عین حال با زبان و لب، ذکر خدا نمی‌گوید.

جفاکارترین و بی‌مهرترین انسان

کسی است که در نزد او یادی از من بشود ولی صلوات نفرستد.

عاجزترین انسان

کسی است که از دعا کردن عاجز باشد.

احکام

هشتم: ابن السبیل، یعنی مسافری که در سفر درمانده شده است.

باید توجه کرد که دادن صدقات مستحبی به سید اشکال ندارد، اما صدقات واجب مثل زکات اگر شخص زکات دهنده غیرسید باشد، نمی‌تواند زکات واجب را به سید بدهد، مگر اینکه خمس و دیگر وجوهات، کفایت مخارج آن سید را نکند و از گرفتن زکات ناچار باشد. اگر شخص زکات دهنده سید باشد، در دادن زکات واجب به سید اشکالی وجود ندارد.

چهارم: کافرهایی که اگر زکات به آنان بدهد، به دین اسلام مایل می‌شوند یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند.

پنجم: برای خریدن بنده‌ها و آزادکردن آنان. **ششم:** بدهکاری که نمی‌تواند قرضش را بدهد. **هفتم:** سبیل؛ یعنی کاری که مانند ساختن مسجد منفعت عمومی دینی دارد یا مثل ساختن پل و اصلاح راه که نفعش به عموم مسلمانان می‌رسد و آنچه برای اسلام نفع داشته باشد، به هر نحو که باشد.

یکم: فقیر (کسی که مخارج سال خودش و عیالاتش را ندارد و آن کسی که صنعت یا ملک یا سرمایه‌ای دارد که می‌تواند مخارج سال خودش را بگذراند، فقیر نیست). **دوم:** مسکین (کسی که گذران زندگی‌اش از فقیر سخت‌تر است).

سوم: کسی که از طرف امام (ع) یا نایب امام مأمور است که زکات را جمع و نگهداری و به حساب آن رسیدگی کند و آن را به امام (ع) یا نایب امام یا قترا برساند.

صدقه و متعلقات آن

پرسش:

از نگاه فقه اسلامی موارد مصرف صدقه چیست و آیا صدقه بر سید حرام است؟

پاسخ اجمالی:

از نگاه فقه اسلامی انسان می‌تواند زکات (صدقه) را در هشت مورد مصرف کند.